

مقایسه حمایت از بزه‌دیده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

حبیب‌اله رحمتی^۱

چکیده

بحث حمایت از بزه‌دیده یکی از مهمترین مباحث حقوق جزاء و جرم‌شناسی می‌باشد زیرا جرم پدیده‌ای است که عمدتاً در ارتباط بزه‌کار و بزه‌دیده به وجود می‌آید و ارتباطی لازم و ملزومی در میان آنها حکمفرما می‌باشد بگونه‌ای که بدون بزه‌کار جرمی وجود ندارد و بدون بزه نیز بزه‌کاری ایجاد نخواهد شد. از این‌رو مقاله حاضر حمایت از بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی را با بهره‌گیری از، روش تحقیق، مقایسه‌ای و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای مورد مطالعه و پژوهش قرار داده است سوال مطرح شده در مقاله این بوده است که چه نقاط اشتراک و افتراقی در حمایت از بزه‌دیده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی وجود دارد؟ یافته‌های مقاله حکایت از آن دارد که در حقوق ایران توجه بیشتر محققین به شناسایی بزه‌دیده بوده است و توجه کمتری به حقوق آن براساس اسناد بین‌المللی گردیده و اگرچه سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی در برخی از زمینه‌ها به یکدیگر مشابه است، اما تفاوت در شرایط اجتماعی و داخلی ایران با حوزه حقوق بشر بین‌الملل باعث می‌شود تا زمینه رشد و توجه به بزه‌دیده در کشور ایران عقب‌تر باشد.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی، حمایت کیفری

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم‌شناسی rahmatihabib.1362@gmail.com

مقدمه

بزه‌دیدگی بعنوان یکی از پدیده‌های شایع در میان اقشار مختلف جامعه، اندیشمندان و نهادهای گوناگون را به فکر حمایت از افرادی وادار کرده که با این پدیده مواجه‌اند. لزوم حمایت‌های مختلف برای بزه‌دیدگان خاص در جنبه‌های شکلی، بسیاری را به فکر وادار کرده است بگونه‌ای که اسناد مختلف بین‌المللی و قوانین داخلی انواع این حمایت‌ها را مقرر کرده‌اند زیرا جنایت به افراد و گروه‌های مردم آسیب زده و نظم اجتماعی را تهدید می‌کند و این موضوع می‌تواند پیامدهای ناگواری برای فرد و جامعه توأمان داشته باشد در این راستا طبق نظر حقوقدان قانون کامن‌لا، بلکستون، «زمانی جرمی اتفاق می‌افتد دو قربانی وجود دارد: شخصی که صدمه دیده یا متحمل ضرر شده است و دولتی که قانون آن نقض شده است» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۵). از این‌رو در تعریف بزه‌دیده می‌توان بیان داشت که: «بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۵). ماده (۱۰) قانون آئین دادرسی کیفری ایران بزه‌دیده را «شخصی می‌داند که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود» (ماده (۱۰) قانون آئین دادرسی کیفری) در حالیکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بزه‌دیده را شخصی معرفی کرده است که «منفردا یا بصورت گروهی، بر اثر فعل یا ترک فعل که جرم تلقی می‌شود متحمل صدمات بدنی، روانی، معنوی و اقتصادی شده یا به حقوق اساسی آنها آسیب جدی وارد شده باشد». تعاریف ارائه شده و چالش‌های که جرم و بزه‌دیده می‌توانند متوجه جامع کنند سبب شده است تا این موضوع در قانون توجه حقوق ایران و اسناد بین‌المللی قرار گیرد بنابراین می‌توان در مقایسه میان این دو نتیجه گرفت که حمایت از بزه‌دیدگان در سطح بین‌المللی در قالب کنوانسیون‌ها و اسناد جهانی نظیر اعلامیه ۱۹۸۵ سازمان ملل (اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت) مورد تأکید قرار گرفته است در حالیکه در حقوق ایران بصورت پراکنده و غیرمنسجم مواردی از حمایت از بزه‌دیدگان به چشم می‌خورد که نمی‌توان آن را بیانگر یک دیدگاه بزه‌دیده مدار در سیاست جنایی ایران دانست. آنچه ضرورت و اهمیت مقاله حاضر را نشان می‌دهد این است که این است که با تحقیقات و مطالعات تطبیقی گسترده به خصوص در اسناد بین‌المللی و آسیب‌شناسی حقوق بزه‌دیده و جایگاه آن در ایران، این امکان وجود دارد تا راه‌حلی بومی و متناسب با شرایط جامعه ایران ارائه گردد که از یکسو ضمن

توجه به شناسایی بزه‌دیده توجه بیشتری به حقوق آن براساس اسناد بین‌المللی شود و از سوی دیگر نیز با اتخاذ راهبردهای حقوقی، روانی و مادی زمینه لازم برای توانمندسازی بزه‌دیده فراهم گردد.

۱- مفهوم‌شناسی

باتوجه به اهمیت جرم و بزه‌دیده در جامعه در این قسمت ابتدا به تعریف جرم پرداخته و در ادامه بزه‌دیده را نیز مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱-۱- جرم و بزه

گاروفالو^۱ که حقوقدان مشهوری است، جرم را چنین تعریف می‌کند: «جرم، عبارت از عملی است که خلاف نوعی از احساسات شرافت‌مندانه و خداپرستانه انجام شود». در حقوق جزای وضعی، غالباً روی تعریف زیر که برای جرم آمده است، تکیه می‌شود: جرم، عبارت است عملی که قانون آن را غدقن کرده، یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته و بر آن عمل یا ترک، کیفری مقرر دانسته است (فیض، ۱۳۷۹: ۲۵)، که در یک تقسیم‌بندی کلی جرم از دیدگاه حقوقدانان به اقسام زیر است:

الف) جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرائم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت‌های مادی تحقق یابد (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

ب) جرم مدنی: به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زیانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده (۳۲۸) قانون مدنی: «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است» (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

ج) جرم انتظامی: تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانون‌های صنفی و کلا، سردفتران،

^۱Garofalo

پزشکان و ... مانند جامعه بزرگ متکی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

حقوق جزای وضعی، جرم را مرکب از سه عنصر می‌شناسد و هیچ فعل یا ترکی را جرم نمی‌داند، مگر آنکه مشتمل بر این سه عنصر باشد. عناصر تشکیل دهنده جرم هستند که در مبحث بعدی به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۲- بزه‌دیده

شناخت و ارائه تعریف درست از بزه‌دیده بعنوان نخستین گام در جهت احقاق حقوق آن و احیاء و تثبیت جایگاه او در فرایند عدالت کیفری موضوعی بسیار مهم و ضروری است. بنابراین در تعریف بزه‌دیده می‌توان استدلال نمود که: «بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۶۶). در تعریف دیگری «بزه‌دیده شخصی است که در پی یک رفتار انسانی که جرم نام گرفته است، متضرر، مجروح، مضروب و مقتول و ... واقع می‌شود». در جایی دیگر بزه‌دیده اینگونه تعریف شده است: «کسی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند» و بنیامین مندلسون و کیل متخصص در حقوق کیفری بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: «شخصی مستقل یا متعلق به یک مجموعه که محتمل آثار دردناک برخی عوامل شده که این عوامل دارای ریشه‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و همچنین طبیعی (حوادث طبیعی می‌باشند)» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

کسی که «طرف جرم یا شبه جرم واقع شده است مثل قربانی سرقت (مال باخته)» (آقایی، ۱۳۸۵: ۱۰۸۵). در ایران «ماده (۳) قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، نخستین قانونی است که در آن واژه بزه‌دیده بکار رفته است» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

ماده (۱۰) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز در تعریف بزه‌دیده مقرر می‌دارد: «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد ...». برخلاف قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، این قانون برای اولین بار به تعریفی از بزه‌دیده پرداخته است و همچنین، «اشکال بارز عدم تفکیک و تمیز مدعی خصوصی از شاکی که انتقادات بسیاری را متوجه قانون سابق می‌نمود، را برطرف نموده است» (لعل علیزاده، ۱۳۹۶: ۹۸).

با نگاهی به تعاریف بزه‌دیده، می‌توان دو رویکرد را در قبال افراد مشمول تعریف بزه‌دیده استخراج کرد: در رویکرد نخست، بعنوان تعریف موسع بیشتر به ورود ضرر و خسارت به دیگری توجه شده است تا به منشأ ایراد ضرر و عوامل جرم؛ مطابق این دیدگاه بزه‌دیده کسی است که یک خسارت و آسیب قطعی بر تمامیت شخص او وارد شده بگونه‌ای که اکثر افراد جامعه به آن اذعان دارند که براساس این رویکرد افزون بر شخصی که عنصر مادی جرم علیه او ارتکاب یافته سایر اشخاصی که دچار زیان می‌شوند نیز مشمول تعریف بزه‌دیده هستند. در تعریف مضیق به وارونه تعریف موسع خاستگاه آسیب ناشی از جرم و منشأ ایراد خسارت در کانون توجه است، که در این تعریف تنها شخصی که موضوع جرم قرار گرفته مشمول عنوان بزه‌دیده است، مانند تعریف هانس فون هانتینگ پدر علم بزه‌دیده‌شناسی که بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: بزه‌دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است (پرویزی و داورنیا، ۱۳۹۹: ۱۲۲).

۲- تاریخچه بزه‌دیده

مطالعه نقش بزه‌دیده در فرایند وقوع عمل مجرمانه که از نیمه قرن بیستم توسط جرم‌شناسان صورت علمی و سازمان یافته به خود گرفت، مسئله‌ای نیست که تاریخ حقوق کیفری با آن ناآشنا باشد.^{۱۵۳} بزه‌دیده از همان بدو تولد حقوق کیفری در جوامع باستانی تا روزگاری نزدیک به امروز، نقش عمده‌ای در دعوای کیفری ایفا می‌کرد.

در واقع بزه‌دیده به تنهایی بازیگر نیمی از این صحنه بوده است. از قانون هیتیها و حمورابی گرفته تا قوانین ایران، رم باستان، یونان و تمدن‌های کهن و باستانی نظیر مصر و چین و از ادیان بزرگ الهی چون شریعت موسی گرفته تا نوشته‌های کلیسا در قرون وسطی و دین مبین اسلام، همه و همه بر اهمیت نقش بزه‌دیدگان در دعوای کیفری و لزوم جبران خسارت وارده به آنان تأکید داشته‌اند (آشوری، ۱۳۷۷).

در واقع از نظر تاریخی نیز تقدم سیستم دادرسی اتهامی بر پیدایش سیستم رسیدگی تفتیشی، که در آن سیستم، بزه‌دیده خود آغازگر جریان دعوا بود و تا شاکی نبوده، دعوایی اقامه نمی‌شد و نیز ضرب‌المثل‌های حقوقی مربوط به این سیستم نظیر «اگر شاکی نباشد دعوایی متصور نیست» و یا «مدعی کسی است که اگر دعوا را ترک کند، ترک می‌شود»؛ همه حاکی از اهمیت نقش بزه‌دیده در

دعای کیفری قبل از پیدایش سیستم تفتیشی است. هانس فن‌هانتیک، جرم‌شناس آلمانی تبار آمریکایی، از جمله پیشگامان، در زمینه بزه‌دیده‌شناسی است. وی برای نخستین بار در سال ۱۹۴۱ در مقاله‌ای بر تعامل میزان بزه‌دیده و مجرم تأکید کرد و نقش و تقصیر بزه‌دیده را در تکامل پروسه کیفری گوشزد نمود.

در سال ۱۹۴۷ بنیامین مندلسون برای نخستین بار واژه *victimology* یا علم شناخت قربانی و عبارت دیگر اصطلاح بزه‌دیده‌شناسی را بکار گرفت. در ۱۹۴۸ اثر فن‌هانتیک تحت عنوان «بزهکار و قربانی او» که در واقع منشور بزه‌دیده‌شناسی بود در انتشارات دانشگاه بیل (آمریکا) چاپ و انتشار یافت (نجفی ابراندآبادی و بیگی، ۱۳۷۷: ۳۵۲). در ۱۹۵۷ بود که مارگری فرای طرحی را برای جبران خسارت بزه‌دیدگان به قانونگذار بریتانیا پیشنهاد کرد. در ۱۹۵۸ ماروین دلفگانگ اوضاع و احوال حاکم بر مرگ‌های قربانیان قتل عمد را مورد مطالعه و بررسی قرار داد و به نتایجی دست یافت (محمدی، ۱۳۹۲: ۹). مطالعات وی حاکی از این بود که بزه‌دیدگی امری اتفاقی نیست و قواعدی بر آن حاکم است یعنی این شرایط و ویژگی‌های برخی افراد است که آنان را در شرایط مساوی با سایر افراد در خطر بزه‌دیدگی بیشتری قرار می‌دهد (نجفی ابراندآبادی و بیگی، ۱۳۷۷: ۳۵۷). در سال ۱۹۶۴ کنگره ایالات متحده، وضعیت نامطلوب بزه‌دیدگان جرم را مورد بررسی قرار داد. لیکن پیشنهاد تصویب قانونی مبنی بر حمایت از بزه‌دیدگان را رد کرد. در ۱۹۶۵ ایالات کالیفرنیا نخستین ایالتی بود که مبلغی را برای پرداخت هزینه‌های ناشی از ایراد جرح در اثر جرم به قربانیان اختصاص داد.

پس از گذشت زمانی عزت عبدالفتاح در سال ۱۹۶۶ در «سالنامه بین‌المللی جرم‌شناسی» اهمیت بررسی نقش بزه‌دیده را در جرم‌شناسی مطرح ساخت. در سال ۱۹۶۸ بود که استفان اسکافر نخستین کتاب خود را در مورد بزه‌دیدگان به رشته تحریر در آورد. در سال ۱۹۷۳ نخستین کنفرانس بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی در اورشلیم آغاز بکار کرد و در سال ۱۹۸۲ کنگره آمریکا قانون موسوم به «قانون حفاظت از بزه‌دیده و شهود» را تصویب کرد.

قانون مذکور استانداردهایی را برای اتخاذ یک رفتار منصفانه با بزه‌دیدگان در محاکم فدرال پیشنهاد می‌کرد. همچنین کنگره در ۱۹۸۴ «قانون بزه‌دیدگان جرم» را که اعطای کمک‌های مالی به منظور جبران خسارت و نیز برنامه‌های کمک‌رسانی به قربانیان دولت را مقرر داشته بود، تصویب کرد. در سال ۱۹۸۵ مجمع عمومی ملل متحد، اعلامیه‌ای موسوم به «اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم سوء استفاده از قدرت» را در خصوص الزام اعضای این سازمان مبنی بر احترام قائل شدن و توسعه

حقوق بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت تصویب کرد که در این اعلامیه برای ارائه راهکارهایی در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان، کنفرانسی ترتیب دادند که هدف آن توسعه راهکارهایی بود که به منظور تضمین حقوق بزه‌دیدگان چه در سطح فدرال و چه در سطح ایالتی، در اصلاحیه قانون اساسی باید مدنظر قرار می‌گرفت (محمدی، ۱۳۹۲: ۹).

چراکه عملی شدن راهکارهای مزبور آنچنان پیشرفته بود که نیاز به اصلاح قانون اساسی ایالات متحده داشت. در ۱۹۸۷ کاخ دادگستری آمریکا، «مرکز ملی مطالعه بزه‌دیدگان» را در روکویل و مرلیند به منظور بکارگیری بهینه اطلاعات در این زمینه تأسیس کرد و بالاخره در ۱۹۹۰ اشتباهاً بزه‌دیده‌شناسی بعنوان یک ایدئولوژی معرفی شد. ایدئولوژی که به جای مطالعه بزه‌دیده از طریق یک نظم علمی، می‌خواهد بزه‌دیدگان، تبرئه و معاف شوند (الستی و حسن‌پور، ۱۳۸۵: ۶۱).

۳- گونه‌شناسی بزه‌دیدگان

در گونه‌شناسی بزه‌دیدگان، چنانچه حمایت خاص و ویژه را بعنوان معیار تقسیم‌بندی در نظر بگیریم، می‌توانیم از بزه‌دیدگان عادی و بزه‌دیدگان نیازمند به حمایت خاص نام ببریم. بزه‌دیدگان عادی در واقع به هر شخصی برمی‌گردد که در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرد و سامانه دادرسی کیفری یک کشور باید از تمامی بزه‌دیدگان در تمامی مراحل دادرسی کیفری یکسری از حمایت‌ها را به عمل آورد. به بزه‌دیدگان عادی، «بزه‌دیده عمومی» هم گفته می‌شود. در کنار این گروه، طیفی از بزه‌دیدگان وجود دارند که علاوه بر حمایت‌های عمومی از بزه‌دیدگان نیاز به حمایت خاص و ویژه نیز می‌باشند.

۳-۱- بزه‌دیده عمومی

به هر شخصی که در وضعیت بزه‌دیدگی قرار می‌گیرد، یک بزه‌دیده عمومی گفته می‌شود. بزه‌دیده عمومی از تمامی حمایت‌های مقرر در مراحل دادرسی کیفری برخوردار است و یکی از اهداف نوین دادرسی کیفری در کنار حمایت از حقوق متهم و حقوق جامعه، حمایت از بزه‌دیده می‌باشد. «بزه‌دیده عمومی» شخصی است که از نظر جسمی، مالی یا روحی آسیب دیده و یا اموال آنها توسط کسی، گروهی، یک سازمان یا یک پدیده طبیعی گرفته شده یا آسیب دیده است» (Dussich, 2005:)

^۱ General Victim

118). بزه‌دیدگان خاص، بطور حتم از تمامی اصول و حقوق حاکم بر بزه‌دیدگان عمومی هم بهره‌مند می‌شوند.

۲-۳- بزه‌دیده خاص

همه بزه‌دیدگان نیاز به حمایت دارند، لیکن گروه‌های خاص بزه‌دیدگان نیاز به حمایت ویژه دارند «در آغاز، گروه‌های خاص بزه‌دیدگان به بانوان و کودکان بزه‌دیده محدود می‌شد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۷۹). ولی، از سالمندان، کم‌توانان (بدنی-ذهنی) و اقلیت‌های مختلف قومی نژادی، ملی و مذهبی نیز به آنها اضافه شد. بزه‌دیدگان خاص علاوه بر حمایت‌هایی از یک بزه‌دیده عمومی می‌شود، نیاز به یکسری از حمایت‌های ویژه و خاص نیز می‌باشند و شامل گروه‌های زیر هستند.

۳-۳- بانوان بزه‌دیده

جنسیت بانوان از جمله عامل‌هایی است که آنان را بیش از مردان در برابر برخی از جرم‌ها آسیب‌پذیر می‌سازد. حمایت افتراقی از بانوان در حوزه‌های مختلف حقوقی وجود دارد و در اینجا نیز بانوان بزه‌دیده، باتوجه به ماهیت جرم‌ها و بزه‌دیدگی‌هایی که متوجه آنها می‌شود، شایسته حمایت‌های ویژه‌ای هستند. نوع حمایت‌ها و کمک‌هایی که باید به این گروه انجام شود؛ تابعی از جرائم ارتكابی نسبت به آنها و همچنین وضعیت روحی و روانی و عاطفی آنهاست.

۴-۳- کودکان و نوجوانان بزه‌دیده

در مورد کودکان و نوجوانان، تفکیک بزه‌دیدگی از بزهکاری امری نادرست است و حتی کودک بزهکار، خودش از منظر دیگری بزه‌دیده است. این امر قلمرو بزه‌دیدگی را در کودکان بیشتر می‌نماید. در بزه‌دیدگی کودکان مولفه‌هایی متفاوت از بزه‌دیدگی بزرگسالان وجود دارد. جرم‌هایی مانند تکدی‌گری، خرید و فروش ماده مخدر، و روسپیگری از مواردی هستند که در آنها می‌توان یک «کودک و نوجوان بزه‌کار بزه‌دیده» را شناسایی کرد.

۵-۳- سالمندان بزه‌دیده

درست مانند گونه پیشین، ولی این بار در جهت سال‌خوردگی و سالمندی، معیار سن می‌تواند افراد را در برابر بزه‌دیدگی آسیب‌پذیر سازد. با وجود این، از نظر تاریخی این حمایت سابقه کمتری دارد، لیکن

شیوه‌های حمایت بسیار شبیه به کودکان است. عنصر مشترک بین این دو گروه ناتوانی‌های جسمی و احتمال ذهنی آنهاست.

۳-۶- کم‌توانان بزه‌دیده

کم‌توان بزه‌دیده ممکن است یک عقب افتاده ذهنی یا کندذهن، یک معلول یا جانباز جنگی، یا یک نابینا یا ناشنوا باشد که این وضعیت بدنی یا روانی، او را در برابر بزه‌دیدگی آسیب‌پذیر ساخته است. هم وضعیت کم‌توانی است و علت آن مهم نیست و شخص کم‌توان باید مورد حمایت قرار گیرد.

۳-۷- اقلیت‌های بزه‌دیده

اقلیت‌های قومی نژادی، ملی و مذهبی به خصوص در عرصه حقوق کیفری بین‌المللی، به شدت در معرض بزه‌دیدگی هستند و متأسفانه بزه‌دیدگی آنها بسیار هم گسترده می‌باشد. هم ماهیت جرم (یعنی، جنایت‌های بین‌المللی) و هم تعداد زیاد بزه‌دیدگان، در این گروه اهمیت دارد. این مسأله در برخی از سامانه‌های حقوقی ملی (مانند آمریکا و انگلستان) به مفهوم‌سازی جدیدی با عنوان «جرم‌های برخاسته از نفرت و تعصب» نیز انجامیده است (رایجیان‌اصلی، ۱۳۹۰: ۸۶).

۳-۸- بزه‌دیدگان جنسی

برخی معتقدند که بزه‌دیدگان جنسی را نیز باید در طیف بزه‌دیدگان خاص قرار دارد و «برخی بزه‌دیدگان جرائم جنسی را نیز به‌این گروه (خاص) اضافه می‌کنند». باتوجه به اینکه این گروه از بزه‌دیدگان، در موارد متعددی از طرح موضوع بزه‌دیدگی خود، امتناع می‌کنند، بهتر است که این گروه هم در زمره بزه‌دیدگان خاص قرار گیرند.

۴- مصادیق حمایت از بزه‌دیده

اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان، پس از جنگ جهانی دوم تحت عناوین گوناگونی همچون «حق مطالبه ضرر و زیان در ضمن طرح دعوی کیفری و جبران خسارت بزه‌دیده» وارد حقوق موضوعه شد این مسئله کم‌کم زمینه لازم برای تصویب قوانینی چه در داخل کشورها و چه در اسناد بین‌المللی در راستای حمایت از بزه‌دیده شکل گرفت متناسب با این شرایط مارک آنسل در این زمینه می‌نویسد:

«نتیجه منطقی این افکار در توجه به تضمین هرچه بیشتر حقوق زیان‌دیده از جرم و تأمین موثر جبران خسارت از وی، متجلی می‌شود؛ چه در واقع، شکایت قانونی زیان‌دیده علیه مجرم - که اغلب اوقات نیز معسر است - آن هم در صورت امکان دستیابی به وی، برای جبران خسارت کافی نیست. بدین جهت است که قانونگذاران در کشورهای مختلف به اتخاذ تدابیر گوناگون و موثر برآمده‌اند که در اینجا بعنوان نمونه می‌توان به بیمه اجباری رانندگان اتومبیل اشاره نمود. بعدها برخی از کشورها با ایجاد یک بخش ویژه مددکاری و امکان طرح دعوای زیان‌دیده از جرم علیه دولت یا یک نهاد دولتی، امکان جبران خسارت واقعی مجنی‌علیه را فراهم ساخته‌اند» (انسل، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

۴-۱- حمایت از تأمین امنیت بزه‌دیده

یکی از حقوق اساسی بزه‌دیدگان تأمین امنیت آنان در فرایند رسیدگی جنایی است. از این‌رو، باید راهکاری برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه‌دیدگان، حمایت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت و تضمین امنیت خود و خانواده‌شان و گواهان آنان در برابر تهدید و انتقام‌اندیشی. چاره‌اندیشی درباره این تدبیر یکی دیگر از حمایت‌هایی است که باید در هنگام وضع قانون لحاظ گردد. حق امنیت به معنای عام آن، که شامل امنیت جانی، عرضی و مالی و نیز سیاسی و اجتماعی و همچنین امنیت روانی فرد و جامعه است، بعنوان مهم‌ترین حق پس از حق حیات برشمرده شده است. در حقیقت، امنیت بعنوان هدف انسانی در حکم نخستین مؤلفه سعادت در کنار آسایش است زیرا بزه‌دیده همیشه در ترس از رفتار بعدی بزهکار قرار دارد. از یک طرف ممکن است بزهکار در رسیدن به نتیجه نهایی از بزهکاری خود موفق نبوده و درصدد تکمیل رفتار خود باشد؛ مانند بزهکاری که قصد کشتن بزه‌دیده را داشته، ولی موفق به کشتن وی نشده است و فقط وی را مجروح نموده است، از طرف دیگر حتی اگر بزهکار در چنین فکری نباشد، ترس ناشی از بزهکاری صورت گرفته، در بزه‌دیده ایجاد شده و از امنیت خود نگران است. نظام عدالت کیفری باید بتواند تا این امنیت را و به خصوص در مراحل اولیه که مرتبط با کشف جرم است، تأمین نماید. در قوانین کیفری اعم از قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری به جز چند مورد، ترتیبات خاصی در جهت حفظ امنیت بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است» (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۳۵).

بزه‌دیده از رفتار بزهکار، آسیب اولیه را دیده است و نباید آسیب ثانوی به وی وارد شود. یکی از حق‌های بزه‌دیده عبارت است از تأمین امنیت وی و حتی گواهان او در فرایند دادگستری جنایی. به

همین منظور باید تدبیرهایی برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه‌دیده، حفاظت از زندگی خصوصی او هنگام ضرورت، و تضمین امنیت خود، خانواده و حتی گواهان او در برابر تهدید و انتقام اندیشید» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

ماده (۱۷) «آئین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان» اشعار می‌دارد که باید تدابیر لازم را با همکاری مرکز حفاظت - اطلاعات قوه قضائیه و ضابطان دادگستری به منظور پیشگیری از بروز خطر جانی، حیثیتی و مالی علیه شاهد یا مطلع یا خانواده وی و تأمین امنیت وی، اتخاذ نماید. تدابیر مزبور مواردی از قبیل یک یا چند مورد به شرح ذیل می‌باشد اولاً، گشت‌های منظم پلیس بصورت نمایان یا بنحو پنهانی از محل کار یا سکونت و مسیر تردد شهود یا مطلعان یا خانواده آنها. ثانیاً؛ نظارت بر محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی و نصب تجهیزات الکترونیکی حفاظتی مانند دوربین مداربسته در محل کار یا سکونت ایشان یا نصب درب‌های ایمنی، با رضایت کتبی آنان ثالثاً؛ در اختیار قرار دادن تجهیزات تماس سریع با مراجع مربوط. رابعاً؛ آموزش تدابیر دفاع شخصی و حفاظت از سلامتی جسمی و روحی و روانی به شهود و مطلعان و خانواده‌ایشان و خامساً؛ تغییر مکان بحث شده است بنابراین می‌توان بیان داشت که یکی از بهترین شیوه‌های حمایتی در این حالت، حمایت‌های جانی یعنی حمایت از جسم و جان شاهد است. اساسنامه^{۱۵۹} دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا به منظور حفظ امنیت جسمانی شهود، بخش حمایت از شهود و بزه‌دیدگان را مکلف ساخته تا بدین منظور گواهان را از اقامتگاه‌شان به مقر دادگاه بصورت امن، منتقل سازد (باقری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۹۷-۱۰۲).

۴-۲- حمایت از بزه‌دیده در رویارویی با متهم

در نظام‌های دادرسی، «اتخاذ سیستم تفتیشی در مرحله تحقیقات، معمولاً از برخورد مستقیم قربانی جرم و مرتکب آن پیشگیری می‌کند» (اسدی، ۱۳۹۲: ۲۱۸). تا آنجا که ممکن است، باید از رویارویی اجباری بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرآیند جنایی جلوگیری کرد. در غیر اینصورت، هنگام رویارویی، باید از آنان حمایت و مراقبت کرد «اتاق‌های ویژه‌ای برای انتظار بزه‌دیدگان و گواهان یا راه‌های خروجی مناسبی برای آنان در ساختمان دادگاه» راهکار مناسبی برای این کار است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۳۰). یکی از تدبیرهای تأمین امنیت بزه‌دیده این است که تا جاییکه امکان دارد باید از رویارویی بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرآیند دادگستری جنایی جلوگیری شود. زیرا

صرف این رویارویی ممکن است یادآور آثار تلخ و منفی جرم و بزه‌دیدگی ناشی از آن برای بزه‌دیده یا گواهان او باشد.

بزه‌دیده و شهود او اگر مورد حمایت واقع نگردند از هر طرف فشارهایی را متحمل می‌شوند که «در جهت پس گرفتن شکایت یا اقامه شهادت است» (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۳۶). ماده (۴۰) قانون آئین دادرسی کیفری به تکلیف ضابطان دادگستری در خصوص حفظ اطلاعات فردی بزه‌دیده اشاره می‌نماید. حکم ماده (۴۰) قانون آئین دادرسی کیفری در وهله اول مفید به نظر می‌رسد؛ زیرا افشای اطلاعات مربوط به بزه‌دیده و دیگر افراد مرتبط با پرونده به نوعی افشای اسرار حرفه‌ای موضوع ماده (۶۴۸) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۵ است، اما اطلاق این حکم از دو جهت مورد ایراد است:

نخست: از نظر اشخاصی که نسبت به آنها باید رازداری نمود.

دوم: در خصوص اشخاصی که مخاطب رازداری می‌باشند، این سوال مطرح است که آیا مشتکی‌عنه یا متهم را نیز شامل می‌شود. مثبت بودن پاسخ موجب می‌شود حق متهم بر دانستن مخدوش شود. همچنین «ممنوعیت افشای هویت و محل اقامت بزه‌دیده از مشتکی‌عنه، مانع از وصول این دو به صلح و سازش می‌شود. لذا حکم موضوع ماده (۴۰) باید به جرائم مهم محدود شود و در جرائم کم‌اهمیت که می‌تواند با استفاده از ضابطه «قابلیت گذشت» شناسایی شود، این ممنوعیت را برداشت» (عظیم‌زاده و دژخواه، ۱۳۹۳: ۱۰۷). در ماده (۵۸) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، یکی از شرایط صدور این قرار، ممانعت متهم از انجام تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه و یا به خطر انداختن آنها در صورت آزادی می‌باشد. تهدید بزه‌دیده، شهود و مطلعین واقعه یکی از مواردی است که تحقیقات درست را به مخاطر می‌اندازد؛ بنابراین، می‌توان در محاکمات دیوان کیفری بین‌المللی به این تدبیر حمایتی متوسل گردید. در رویه قضایی محاکمات دیوان نیز بارها قرار بازداشت موقت متهمان صادر گردیده است. بعنوان نمونه، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی دستور به بازداشت موقت مرتکبان جنایات ارتكابی در سودان، رهبر لیبی، دستور بازداشت او به دلیل ارتكاب جنایت علیه بشریت را داده بود.^۱ در کنوانسیون جنایات سازمان یافته فراملی نیز اگرچه به صراحت از این شیوه حمایتی سخنی

¹ See. <http://www.tehrantimes.com>

به میان نیامده است، اما از یکسو، توجه به فحوی برخی مواد این کنوانسیون^۱ و از سوی دیگر، مصداقی بودن راهکارهای حمایتی از شهود در این سند بین‌المللی،^۲ بازداشت موقت متهم، می‌تواند بعنوان یک راهکار حمایتی مورد توجه قرار گیرد (باقری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۴۹).

۴-۳- تدابیر حمایتی بایسته از بزه‌دیده و خانواده وی

سومین تدبیر تأمین امنیت بزه‌دیده این است که «نام، نشانی اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن و دیگر مشخصات بزه‌دیده را نباید فاش کرد و هرگونه تصمیمی در این باره را باید به دادگاه سپرد. زیرا افشاء یا انتشار چنین اطلاعاتی ممکن است امنیت جانی یا روانی بزه‌دیده را به خطر بیندازد» (رایجیان‌اصلی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)، و از طرف دیگر خانواده وی را در معرض خطر قرار دهد. از آنجاکه در طی مراحل تحقیقات و انجام دادرسی، بزه‌دیده و متهم در جلسات مختلفی شرکت می‌کنند تا به مواردی پاسخگو باشند طبیعی است که طرفین جرم در این جلسات رودرو می‌شوند و ممکن است بزه‌دیده مورد آسیب و صدمه واقع شود و یا از لحاظ روحی و عاطفی دچار اختلال شده و حضور در جلسات برای او زجرآور و غیرقابل تحمل باشد. همین موارد در مورد شهود بزه‌دیدگان هم صدق می‌کند؛ لذا تدابیر لازم جهت پیشگیری از این رویدادها ضروری است. «در فرانسه تهدید و ارعاب بزه‌دیده برای انصراف از شکایت، یکی از جرائم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود و از این طریق بزه‌دیده با تضمین بیشتری به پیگیری روند تعقیب کیفری می‌پردازد» (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۳۵).

۱۶۱

۴-۴- برخورداری بزه‌دیده از وکیل

حق برخورداری از دادرسی عادلانه امری است که تقریباً در تمام اسناد حقوق بشری چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه‌ای شناسایی شده است. الزامات حاکم بر این فرایند ایجاب می‌کند که دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری از اتخاذ تصمیم‌های محدود کننده احتراز نمایند. بنابراین ضروری است تمام امکانات را در اختیار بزه‌دیده قرار دهند از جمله حقوقی که بزه‌دیده در فرایند رسیدگی از آن بهره می‌برد، حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع در کلیه مراحل رسیدگی از جمله مرحله

^۱ بعنوان نمونه نگاه کنید به بندهای مختلف ماده (۱۸) کنوانسیون جنایات سازمان یافته فراملی که بصورت ضمنی اجازه بازداشت موقت متهم را می‌دهد.

^۲ ماده (۲۴) کنوانسیون پالمو به ذکر مصدق حمایت از شهود پرداخته است.

تحقیقات مقدماتی است این موضوع در شریعت اسلام نیز همواره مطرح شده است مبنی بر اینکه، اجازه یاری خواستن از مدافع که به وکیل مدافع دعوی شناخته می‌شود که طرف دعوی او را وکیل خویش قرار می‌دهد تا از طرف وی در دادگاه قضاوت بنابر علاقه و مصلحت معتبر وکالت کند و آن به جهت محافظت از خویشتن و داشتن منفعتی برتر برای متهم است (الرشودی، ۱۹۹۹: ۱۸) و متهم باید کسی را که بعنوان وکیل درباره موضوع دعوی انتخاب می‌کند از روی رضایت خویش انتخاب نموده و اجباری بر او نباشد و این به اجماع و اتفاق همه فقهاء مسلمانان است و شخص وکیل نباید راز موکل خویش را افشاء کند و این التزام و نهی را می‌توانیم از تأکید پیامبر در فرموده ایشان دریابیم که: «هنگامی که شخصی سخنی با دیگری می‌گوید سپس به اطراف خود نگاه می‌کند، آن سخن به منزله امانت است». به همین ترتیب، وکیل نمی‌تواند بهنگام دعوی با موکل خود غش و حيله بکار گیرد و علیه او از روی باطل بیهوده‌گویی کند. وکالت به هنگام دادرسی هزینه‌ای دارد، بنابراین وکیل در دادخواست هزینه‌ای را از طرف بهنگام ارائه دعوی دریافت می‌کند (محمد الهدیه، ۲۰۰۵: ۶۸).

در قانون آئین دادرسی کیفری، حق شاکی به برخورداری از وکیل از همان روز نخست تقدیم شکایت او به رسمیت شناخته شده و ماده (۶۸) مقرر می‌دارد که او می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت نماید. بدیهی است که جواز دخالت وکیل شاکی محدود به تقدیم شکایت نبوده، شامل پیگیری و دفاع از آن در مراحل بعدی نیز خواهد بود (خالقی، ۱۳۹۸: ۷۴). بنابراین می‌توان بیان داشت که از جمله تضمین‌هایی که بنحو مطلوب و شایسته در راستای حفظ حقوق بزه‌دیده بکار می‌رود، شرکت وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی کیفری می‌باشد. وکیل باید انتخابی بوده و از تخصص کافی برخوردار باشد.^۱

ممکن است بزه‌دیده از نظر مالی توانایی لازم را برای پرداخت حق الوکاله نداشته باشد، در این صورت باید بتواند از خدمات رایگان وکلای دادگستری بهره‌مند شود. کما اینکه در ذیل اصل ۳۵ قانون اساسی صراحتاً این مورد پیش‌بینی شده است: «... اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

^۱ به همین منظور قوانین متعددی در ایران به تصویب رسیده است. قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ با اصلاحات بعدی که بر معلومات کافی وکیل برای وکالت در مواد یک و دو تأکید می‌نماید. برای حفظ حقوق اصحاب دعوا، لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵، تشکیل کانون وکلای دادگستری را بعنوان موسسه‌ای مستقل و دارای شخصیت حقوقی پیش‌بینی نموده است.

ماده (۱۸۵) قانون آ.د.ک به طرفین دعوا به اجازه داده است در تمام امور جزایی و کیل یا وکلای مدافع خود را تعیین و انتخاب نماید. در این ماده آمده است: «در تمامی امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند».

در مقررات دادرسی کیفری ایران تعیین وکیل از جانب بزه‌دیده جنبه تخییری دارد و تعدد وکلای بزه‌دیده در هیچ‌یک از مراحل کیفری محدود نشده است و در ماده (۱۹۳) ق.آ.د.ک گویا مقنن یکبار به این نتیجه رسیده است که بزه‌دیده نیز در جریان دادرسی حق داشتن وکیل را دارد چراکه در این ماده در بند یک به صراحت از وکلای بزه‌دیده سخن به میان آورده است در اسناد بین‌المللی طی سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۶ با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صراحتاً حق داشتن وکیل مدافع در تمام مراحل دادرسی بعنوان یکی از تضمینات اساسی ناظر به حق دفاع افراد در اسناد مذکور پیش‌بینی شده است و دولت‌های عضو، موظف به رعایت و انطباق قوانین خود با این اصول شدند. حضور وکلا در دادگاه‌ها تنها برای دفاع از حقوق قانونی موکل‌شان نیست، بلکه آنها وظیفه‌ای بسیار مهم دارند. وکیل وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین شکلی و ماهوی را برعهده دارد و اوست که از منافع یک جامعه و عبارتی از اصول بنیادین دادرسی عادلانه حمایت می‌کند. بند ۳ ماده (۱۴) میثاق (و بند ۳ ماده (۶) کنوانسیون اروپایی) با عباراتی مشابه چنین اعلام می‌دارد: «هرکس متهم به ارتکاب جرمی بشود ... حق خواهد داشت وقت و تسهیلات کافی برای تدارک دفاع از خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد. در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا بوسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله هزینه-ای نخواهد داشت.

۵- حمایت‌های روانشناختی

از جمله اقداماتی که باید در راستای آماده کردن ذهنی بزه‌دیده برای حضور در دادگاه صورت گیرد، پشتیبانی روانشناختی از وی جهت به حداقل رساندن اضطراب ناشی از حضور در مرجع قضایی است اضطراب ناشی از شرکت در یک محاکمه بویژه اگر در گذشته، فرد یا دستگاه‌های پلیسی-قضایی در

ارتباط نبوده و جرم نیز از جمله جرائم مهم باشد موجب نگرانی وی شده و بر کیفیت شهادت او اثرات نامطلوبی برجای می‌گذارد (رتوفیان، ۱۳۸۹: ۹۶). برای آماده کردن ذهنی شاهد و بزه‌دیده جهت حضور در دادگاه دو روش متصور است نخست، آنکه مقامات دادگستری و یا نمایندگان دادستان پیش از حضور شاهد در دادگاه، جلسات منظمی با وی برگزار نمایند این امر برای کاهش فشار روحی شاهد در دادگاه است شیوه دیگر تعیین وکیل معاضدتی برای شاهد، جهت آشنایی بیشتر وی با حقوق و تکالیف خود در هنگام حضور در مرجع قضایی است این موضوعی است که در حقوق ایران چندان به آن توجه نشده است (آشوری، ۱۳۷۷: ۱۲۰).

قانون آئین دادرسی کیفری صرفاً در بخش اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی در مواد (۴۸۶) و (۴۸۷) بحث از ایجاد تشکیلاتی تحت عنوان «مددکاری اجتماعی» به میان آورده که صرفاً ناظر به متهم بوده و ارتباطی به بزه‌دیده ندارد حال آنکه در اسناد بین‌المللی از جمله دیوان خود را موظف به مساعدت جهت مراقبت‌های پزشکی، روانی و دیگر کمک‌های مناسب دانسته و واحد بزه‌دیدگان و شهود را نیز مکلف به فراهم‌سازی زمینه آموزش به اعضای دیوان درخصوص مسائل مربوط به صدمات روحی، خشونت جنسی، امنیت و رازداری نموده است. دیوان همچنین باید کارشناسانی را در واحد بزه‌دیدگان در زمینه جنبه‌های روانشناختی، مشاوره اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی با لحاظ شرایط کودکان، زنان، سالمندان و معلولان بکار گیرد (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در ماده (۲) اعلامیه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹، حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت وی، به تعقیب، دستگیری یا محکومیت مجرم منوط نشده و حتی در شرایطی که متهم به جرم، مجرم شناخته نشود یا دستگیر نگردد، قربانی جرم باید به امتیازات و حقوق قانونی خود دست یابد. ماده (۳) اعلامیه، حمایت از بزه‌دیدگان و تسکین ناملایمات روحی و فیزیکی را برای همه قربانیان جرم قابل اعمال دانسته، می‌گوید: این مقررات باید برای همه بزه‌دیدگان، بدون ملاحظه هیچ نوع تفاوت و امتیازی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، مذهب، ملیت، گرایش سیاسی، اعتقادات، عملکرد فرهنگی، دارایی، موقعیت‌های خانوادگی یا قومی و ضعف و ناتوانی‌ها، قابل اعمال باشد. ماده (۱۴) تا (۱۷) شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ به ابعاد مختلف حمایت از بزه‌دیدگان از قبیل کمک‌های دارویی، روانی، اجتماعی و سایر مساعدت‌های لازم درخصوص قربانیان جرم و تأمین آنها اشاره شده است.

۶- جرم‌انگاری افشای هویت یا اقامتگاه شاهد

یکی از تضمینات حمایت از بزه‌دیده، جرم‌انگاری افشای هویت است، که تلاش متهم برای شناسایی هویت آنها به منظور اعمال بهتر حقوق دفاعی خود بویژه در یک دادرسی ترافیعی و حضوری را به مخاطره می‌اندازد، زیرا همانگونه که خواهیم دید گاه در قوانین برخی کشورها مقررات سختگیرانه‌ای به منظور حمایت از بزه‌دیده بی‌نام یا گمنام اتخاذ شده است بنابراین می‌توان بیان داشت که یکی از اقدامات لازم در جهت اخفا هویت به منظور تأمین امنیت جسمانی آنها، تلاش برای محفوظ ماندن اطلاعات هویتی از دسترس دیگران در طول رسیدگی می‌باشد. برای این منظور می‌توان اقداماتی از قبیل استفاده از اسامی مستعار، تغییر هویت و یا عدم درج مشخصات هویتی در پرونده و یا جلوگیری از دسترسی افراد به پرونده استفاده کرد (غلام‌پور و تدین، ۱۳۹۲: ۱۹۲). در کنوانسیون پالمو نیز به این موضوع اشاره شده است مبنی بر اینکه در دادرسی‌های دادگاه، هویت مأمور مخفی را باید نسبت به طرفین پرونده و تمامی شهروندان مخفی نگه داشت (اقدامات محافظتی متفاوت بصورت تغییر دادن صدا، جدا کردن شهود، و غیره؛ در ماده (۲۳) احضاء شده است)؛ اما همانطور که بیان شد می‌بایست درباره هویت واقعی او به دادگاه اطلاع داده شود، اصحاب دعوا مجاز هستند که شاهد (ناشناس) را مورد سوال قرار دهند. علاوه بر آن در این زمینه می‌توان به قانون آئین دادرسی کیفری روسیه مصوب ۲۰۰۲ اشاره نمود که تغییرات قابل توجهی را در دادرسی‌های قبل از محاکمه ایجاد نکرد، ولی مرحله محاکمه را با پذیرش نظام دادرسی ترافیعی متحول نمود. یکی از عرصه‌های مهمی که در آن قانون آئین دادرسی کیفری جدید به بحث‌های حول جرائم سازمان یافته پاسخ می‌دهد، مسئله محافظت و حمایت شهود و بزه‌دیدگان جرم علیه تهدیدها و فشارهای گروه‌های مجرمانه دخیل در محاکمه است. بند ۳ ماده (۱۱) این قانون مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه را هم در مرحله قبل از محاکمه و هم در مرحله محاکمه ارائه می‌کند که در آن حقایق کافی نشان دهنده وجود مخاطره نه فقط برای اشخاص فوق‌الذکر بلکه همچنین برای خویشاوندان و دیگر اشخاص نزدیک به آنها باشد. در طی مرحله قبل از محاکمه، داده‌های شخصی درخصوص شهود یا بزه‌دیدگان جرم که در یک اقدام تحقیقاتی شرکت کرده‌اند، را می‌توان از مرحله تحقیقات حذف نمود.^۱ در ماده (۴۰) قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بیان شده است «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت

۱۶۵

^۱ Article 166 (9) of the Criminal Procedure Code

بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جزء در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است». چراکه این افشای اطلاعات ممکن است منجر به اخلال در فرایند دادرسی از طریق تهدید بزه‌دیده، شاهد و مطلع باشد (باقری‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۳۳). در این راستا هم می‌توان به بخش چهارم قانون آئین دادرسی کیفری جدید سوئیس مصوب ۲۰۰۷ اصلاحی، ۲۰۱۲ با عنوان اقدامات حمایتی (مواد (۱۴۹-۱۵۳)) تدابیری ویژه برای حمایت از مأمورین مخفی، شهود قربانیان جرائم جنسی، کودک بزه‌دیده، بزه‌دیدگان دارای معلولیت ذهنی در نظر گرفته است استناد نمود.

۷- جبران خسارت مالی و مادی به بزه‌دیده

در جوامع کنونی، اشخاص برای گذران معیشت، مجبور به انجام کار هستند و تلاش آنها نیز در این است که به منافع اقتصادی بیشتری دست یابند. لذا غالباً سعی می‌کنند تا از انجام هر کاری که مانعی در راه به دست آوردن درآمد روزانه آنها گردد، پرهیز نموده و همیشه در نگهداری اموال و دارایی‌های خود از تدابیر مختلفی استفاده کنند. در این راستا، اگر بزه‌دیده به منظور ادای شهادت مجبور شود کار خود را تعطیل نماید و متهم نیز او را تهدید به از بین بردن اموال او نماید، امکان اینکه بزه‌دیده مرعوب شده و حقوق خود را پیگیری ننماید بسیار زیاد است. بنابراین توجه به جنبه مالی و جبران خسارت یکی از مهمترین راهکارهای حمایت از بزه‌دیده در اسلام، عرف و نرم جهانی و بین‌المللی می‌باشد که جنبه بسیار مهمی به خود گرفته و می‌تواند به نوعی مکمل بقیه راهکارهای مطرح شده در فوق باشد در راستای حمایت جسمانی و پرداخت خسارت می‌توان به آیه ۳۲ سوره ماعده «... لَأَمِّنَ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...» استناد نمود آنجا که بیان می‌کند ترمیم خسارت- های مادی و معنوی بزه‌دیدگان را مانند احیاء تمام بشریت دانسته است (افضلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸). بنابراین می‌توان بیان داشت که از منظر سیاست کیفری اسلام، یکی از مهم‌ترین راه‌های جبران خسارت بزه‌دیده، بیت‌المال است؛ زیرا از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها برقراری نظم و امنیت است؛ چراکه امنیت لازمه تمامی فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و ... است. حکومت دینی نیز از چنین قاعده‌ای مستثنا نیست. بر حکومت است که ارتکاب قتل‌ها و وقوع درگیری‌ها را به حداقل ممکن کاهش دهد و اصولاً زمینه‌های بروز آن را از بین ببرد و اگر احیاناً قتلی به وقوع پیوست، قاتل را دستگیر کند و به سزای عملش برساند. حال اگر حکومت در این امر توفیق نیافت، باید دیه مقتول را

بپردازد تا خسارتی که از طریق سهل‌انگاری حکومت به خانواده مقتول وارد شده است جبران گردد (ابادری، ۱۳۷۹: ۳۲۴). به هر صورت، مسئولیت بیت‌المال و حکومت اسلامی در برابر بزه‌دیده، از مبانی عمیق فقهی - حقوقی برخوردار است (حسینعلی بای، ۱۳۸۸: ۶۵-۸۶). قرآن کریم در آیات متعددی به حمایت از بزه‌دیدگان فرامی‌خواند؛ برای نمونه می‌فرماید: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: خدایا ما را از این شهر (مکه) که ستمگرند، بیرون بر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از طرف خود برای ما یار و یاور تعیین فرما» (سوره نساء، آیه ۷۵). حمایت از بزه‌دیدگان و تأمین خسارت‌های آنان، در حکومت نبوی و احادیث شریفی که از ناحیه معصومان (ع) وارد شده، نیز از جایگاه خاصی برخوردار است، بگونه‌ای که در کتب روایی باب ویژه‌ای تحت عنوان «باب نصر الضعفاء و المظلومین» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰) بدان اختصاص داده شده است. حمایت‌هایی که از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در صدر اسلام بعمل می‌آمد اختصاص به یک جنبه نداشت، بلکه ابعاد وسیع از حقوق و نیازهای آنان را فرامی‌گرفت؛ از حمایت‌های قضایی و تقنینی گرفته تا حمایت‌های مالی و روانی؛ مانند اختصاص دادن مقداری از بیت‌المال برای پیران. امیرمومنان (ع) پیرمرد از کارافتاده‌ای را دید که از مردم کمک می‌خواست، حضرت پرسید: او کیست؟ گفتند: فردی نصرانی است. حضرت^{۱۶۷} فرمود: از او کار کشیدید تا پیر و عاجز شد و اکنون او را محروم می‌کنید؟ از بیت‌المال به او کمک کنید» (رشاد، ۱۳۸۷: ۹۳).

در اسناد بین‌المللی نیز به این مهم توجه جدی شده است در ماده (۲۵) کنوانسیون پالرمو در قالب ۳ بند مختلف حمایت از بزه‌دیدگان را در ۳ عرصه توصیه کرده است: ۱- حمایت از قربانیان بویژه در مواردی که خطر انتقام‌جویی یا ارباب آنها وجود دارد (بند ۱)؛ ۲- جبران خسارت ناشی از جرم و اعاده وضعیت سابق آنان (بند ۲)؛ ۳- تعقیب کیفری و مکافات دادن مجرمین و بررسی نظرات و نگرانی‌ها قربانیان را در مراحل مناسب دادرسی کیفری علیه مجریان (بند ۳). در انگلستان یک طرح قانونی برای جبران خسارت قربانیان تحت طرح جبران صدمات جنایی خود در سال ۱۹۶۴ و غرامت توسط مجرم براساس قانون عدالت کیفری^۲ خود در سال ۱۹۷۲ ارائه شده است. دادگاه عالی ایالات متحده نیز در پرونده پین علیه تنسی، برای اولین بار حقوق قربانی یک جنایت را به رسمیت شناخت.

¹ Criminal Injuries Compensation Scheme

² Criminal Justice Act

حقوق قربانیان و عدالت ترمیمی برای آنها به یک جنبه ضروری از سیستم قضایی آمریکا تبدیل شده است. یک پائل تأثیر قربانی تشکیل می‌شود که در آن قربانی پس از محکومیت مجرم را ملاقات می‌کند و به او می‌گوید که چگونه عمل او بر او تأثیر گذاشته است و سپس درخواست ترمیم می‌کند (Raje, 2022: 2-5). ماده (۹) شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در قطعنامه ۱۹۸۹/۵۷ در ۲۴ مه ۱۹۸۹ به ضمانت اجرای حمایت از بزه‌دیده پرداخته و از دولت‌ها می‌خواهد که جبران خسارت را بعنوان یک ضمانت اجرای مجازات در کنار سایر ضمانت‌ها به رسمیت بشناسند و آن را مورد توجه قرار دهند تدوین کنوانسیون اروپایی که در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ فرانسه به تصویب رسید نمونه‌ای از اقدامات عملی حمایت از بزه‌دیدگان در اروپاست.

این کنوانسیون حاوی نکات مهم در مورد بزه‌دیدگان و نحوه جبران خسارات آنان می‌باشد. ماده (۲) کنوانسیون مقرر می‌دارد: اولاً، وقتی که ترمیم کامل خسارات بوسیله سایر منابع، قابل تضمین نیست، دولت باید به خسارت‌زدایی از افراد زیر اقدام نماید:

(الف) کسانی که متحمل لطمات شدیدی علیه جسم یا سلامت خود شده‌اند، مشروط به اینکه مستقیماً از یک جرم عمدی خشونت‌آمیز ناشی شده باشد.

۱۶۸

(ب) کسانی که تحت تکفل شخصی بوده‌اند که پس از ارتکاب جرم علیه او، فوت شده است. ثانیاً؛ خسارت‌زدایی پیش‌بینی شده در بند قبلی، حتی اگر مبانی جرم قابل تعقیب یا مجازات هم نباشد، انجام می‌شود.

در حقوق ایران نیز در بند «ت» ماده (۱) از قانون «آئین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان» ضرر مالی: «هرگونه صدمه به اموال یا حقوق مالی» را مطرح می‌کند از این‌رو در تفسیر این ماده و بند «ت» آن می‌توان بیان داشت که پرداخت خسارت به شاهد در صورتی که وی متحمل خسارتی گردیده باشد و از دادگستری تقاضای جبران خسارت نیز نموده باشد، از جمله شیوه‌های حمایتی غیرکیفری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد نکته بسیار اهمیت در بند (ج) ماده (۱۷) قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد است هرچند این ماده اشاره مستقیمی به بزه‌دیده ندارد اما در تفسیر آن می‌توان چنین موضوعی را استنباط نمود مبنی بر اینکه «جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه وارد کننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد»، پیش‌بینی شده است. «در این صورت دولت جانشین زیان‌دیده محسوب و می‌تواند خسارت پرداخت شده را مطالبه نماید». حتی در راستای جلوگیری از وارد آمدن هرگونه خسارت مادی به

بزه‌دیده به دلیل ادای شهادت در بند (د) ماده مذکور آمده است «هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن قبل از موعد، تغییر وضعیت، جابجایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایا نسبت به مخبر، گزارش دهنده و منبع که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذیصلاح قانونی منعکس نموده باشند، ممنوع است».

نتیجه‌گیری

امروزه همزمان با فرایند جهانی شدن و گسترش وسایل ارتباط جمعی و همچنین فضای مجازی جرائم و جنایت نه تنها افزایش کمی و کیفی داشته است بلکه از نوعی پیچیدگی و تنوع نیز برخوردار شده است. این مسئله خود بر بزه‌دیدگان و حقوق حمایتی آن نیز تأثیر گذاشته است متناسب با این وضعیت دولت‌ها مبادرت به وضع قوانینی پیشگیرانه و حمایتی از بزه‌دیده نموده‌اند با مراجعه به متن فقهی و حقوقی اسلام می‌توان بیان داشت که این شریعت بزرگ در راستای توجه به بزه‌دیده و دلداری از آن به حقوقی از جمله (حق حیات) و جبران خسارت او و درنهایت، حفظ نظم عمومی و عدالت اجتماعی توجه نموده و سازوکارهای بی‌بدیلی را در عرصه نظام حقوقی ارائه داده است. جواز قصاص در قتل عمد، پرداخت دیه، و در مواردی عفو برای عدالت ترمیمی، از روش‌هایی است که سیاست جنایی اسلام برای حفظ حق حیات و جبران خسارت قربانی جرم و اولیای دم مقرر داشته و برای تکمیل و اجرایی کردن این سیاست‌ها، نهادهای اساسی همچون «ضمان اقارب»، «ضمان عاقله» و «بیت‌المال» را پیش‌بینی کرده است، تا به هر صورت ممکن حمایت از حق بزه‌دیده تحقق یابد و حرمت خون انسان‌ها حفظ گردد علاوه بر اسلام در حقوق ایران توجه بیشتر محققین به شناسایی بزه‌دیده بوده است و توجه کمتری به حقوق آن براساس اسناد بین‌المللی گردیده و اگرچه سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی در برخی از زمینه‌ها به یکدیگر مشابه است، اما تفاوت در شرایط اجتماعی و داخلی ایران با حوزه حقوق بشر بین‌الملل باعث می‌شود تا زمینه رشد و توجه به بزه‌دیده در کشور ایران عقب‌تر باشد. از طرفی ایراداتی مانند اجرای صحیح حقوق بزه‌دیده منجر می‌شود تا ایران را در اجرای حقوق بزه‌دیده موفق ندانیم و تنها در زمینه حمایت نظری از بزه‌دیده پیشرفت‌هایی حاصل شده است.

علاوه بر آن نیز علیرغم نوآوری‌های بسیار قانون آئین دادرسی کیفری در زمینه بزه‌دیدگان، در مقایسه با مقررات و اسناد بین‌المللی، نارسایی‌های در این زمینه در این قانون به چشم می‌خورد که عدم شناسایی صریح اشخاص حقوقی بعنوان بزه‌دیده، عدم اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه برخورداری از حق داشتن وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات، عدم بهره‌مندی بزه‌دیده از مراقبت‌ها و حمایت‌های پزشکی و روانی مناسب، لحاظ نکردن تدابیر حفاظتی بایسته از بزه‌دیده و خانواده وی؛ بویژه در قبال تهدیدهای احتمالی، وجود مشکلات ناشی از ابلاغات باز و بدون لفاف در جهت مکتوم ماندن هویت و اسرار کنشگران دعاوی کیفری، از زمره این موارد محسوب می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که به نظر می‌رسد ایرادات تقنینی و نواقص قانونی، بیشترین آسیب را به موضوع حمایت و حقوق بزه‌دیده در حقوق ایران وارد می‌کند. زیرا اولاً، این قوانین بیشتر بر بعد شکلی حمایت از حقوق بزه‌دیدگان و فرایند دادرسی آنها تکیه دارد تا جنبه ماهوی؛ و ثانیاً، به دلیل عدم ضمانت اجرای قوی و به روز بودن براساس هنجارهای بین‌المللی چندان نتوانسته‌اند در راستای حمایت از بزه‌دیده موفق عمل کنند..

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۷۷)، مجموعه عدالت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۲- آقایی، بهمن (۱۳۸۵)، فرهنگ حقوقی بهمن، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۳- آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، چ ۳، ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه.
- ۴- ابادری فومشی، منصور (۱۳۷۹)، شرح قانون مجازات اسلامی.
- ۵- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۶- اسدی، لیلیاسادات (۱۳۹۲)، حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، چ ۲، تهران: انتشارات سمت.
- ۷- افضل‌ی و همکاران (۱۴۰۰)، «الگوی میانجی‌گری در دادرسی بزه‌دیده- بزه‌کارمحور در نظام حقوقی ایران و اسلام»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، س ۱۳، ش ۲۴.
- ۸- الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵)، «بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی»، مجله دادرسی، ش ۵۶.
- ۹- باقری‌نژاد، زینب (۱۳۹۵)، حمایت از شهود، در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی در پرتو قانون جدید آئین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۱۰- بای، حسین‌علی (۱۳۸۸)، «هبانی پرداخت دیه از بیت‌المال»، مجله فقه و حقوق، ش ۵.

- ۱۱- پرویزی، علی و داورنیا، ایمان (۱۳۹۹)، «حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۹، ش ۳۳.
- ۱۲- خالقی، علی (۱۳۹۸)، آئین دادرسی کیفری، ج ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۱۳- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۲.
- ۱۴- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۷)، دانشنامه امام علی (ع)، ج ۷، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۵- رئوفیان نائینی، حمید (۱۳۸۹)، «شاهد در حقوق کیفری ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشکده علوم قضایی.
- ۱۶- زینالی، امیرحمزه و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۱)، «حق بزه‌دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، تهران، ش ۵۷.
- ۱۷- عظیم‌زاده، شادی و دژخواه، علی (۱۳۹۳)، «حمایت از هویت بزه‌دیده و شاهد و تعارض آن با حق دفاع متهم (۱۳۹۲)»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید، س ۶، ش ۸.
- ۱۸- غلام‌پور، مهدی و تدین، عباس (۱۳۹۲)، «جلب شاهد از منظر حقوق ایران و اسناد بین‌المللی؛ از هست‌ها تا بایدها»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۸.
- ۱۹- فیض، علیرضا (۱۳۷۹)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۰- کوشا، جعفر و پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶)، «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی»، مجله حقوقی دادگستری، س ۸۱، ش ۹۷.
- ۲۱- لعل‌علیزاده، محسن (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره ۵، ش ۱۹.
- ۲۲- محمدی، آسیه (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه بزه‌دیده در آئین دادرسی کیفری ایران و اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه پیام نور مرکز ساری.
- ۲۳- نجفی ابراندآبادی و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات گنج دانش.

عربی:

- ۲۴- ابراهیم‌الرشودی، هد بن محمد بن (۱۹۹۹)، ضمانات المتهم فی مرحلة التحقيق الابتدائی فی التشريع الجنائی الإسلامی و تطبیقاته فی المملكة، بغداد: مشروع لنیل درجة الماجستير فی مكافحة الجريمة.
- ۲۵- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، ج ۲۷، نجف: موسسه الوفاء الطبعه.

٢٦- محمد الهديه، سلمان حمد (٢٠٠٥)، «ضمانات المتهم أثناء المحاكمة دراسة مقارنة بين الفقه الإسلامى والقانون الكويتى»، رساله مقدمه لاستكمال متطلبات الحصول على درجه الماجستير فى القضاء الشرعى، كلية الدراسات العليا الجامعه الأردنيه.

لاتين:

27- Dussich, John (2005). victimology – past, present and future, 131st international senior seminar visiting experts' papers, resource material series.

28- Raje, M (2022). Victim's rights under the Indian criminal law system. Available at: <https://blog.ipleaders.in/victims-rights-under-the-indian-criminal-law-system>.

